

آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱

بررسی ابعاد مسئله الزام به حجاب در ایران

گزارش راهبردی
آبان ۱۴۰۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

قال مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) ثابروا علی صلاح المؤمنین و المتقین غرر الحکم

گزارش راهبردی

آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱

بررسی ابعاد مسئله حجاب در ایران

آبان ۱۴۰۱

تهیه شده توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث

(وابسته به انجمن میراث اسلامی)

مدیر گروه: امیرمهدی مناقبی، Managhebi@mssint.com

مدیر پژوهشی: علیرضا رحمانی، Rahmani@mssint.com

■ همکاران

تسهیلگر آینده‌نگاری: وحید شامخی

مشاور بخش‌های حقوقی: علیرضا دهقانی

صفحه‌آرایی: علی‌اکبر محمدخانی

■ اطلاعات تماس

۰۲۱-۲۶۴۰۸۰۴۷

www.mssint.com

Contact@mssint.com



گروه بررسی‌های راهبردی

برای دریافت گزارش‌ها و اطلاع از فعالیت‌های گروه می‌توانید علاوه بر سایت در شبکه‌های اجتماعی ما را دنبال کنید:

 [mssinst](https://t.me/mssinst)

 [mssinst](https://wa.me/mssinst)

 [mss.inst](https://www.instagram.com/mss.inst)

 [mssinst](https://twitter.com/mssinst)

معرفی گروه

مأموریت گروه بررسی‌های راهبردی میراث، گفت و گو، تحلیل و پژوهش هدفمند پیرامون مسائل اجتماعی- فرهنگی شیعیان ایران و تدوین و ترویج راهکارهای جدید برای سیاست‌گذاران، نخبگان و مردم است. ما در این راستا در سایه بهره‌مندی از دانش خبرگان و تجربه کنشگران به ارائه پیشنهادات کاربردی در سطح سیاست‌گذاری و مسائل راهبردی خواهیم پرداخت؛ به عبارت دیگر از دل دانش و تجربه، پیشنهادهایی کاربردی برای مسائل راهبردی به دست خواهیم داد.

اهداف ما عبارتند از:

۱. ارائه تصویری روشن از آینده، مسائل و راهکارها؛
۲. افزایش آگاهی عمومی به مسائل راهبردی؛
۳. رایزنی و تلاش در جهت تحقق راهکارهای مطرح شده.

بیانیه مسئولیت

گزارش پیش رو بر اساس روش‌های علمی تهیه شده است و ما مسئول کیفیت آن هستیم. نظرات مطرح شده در گزارش دیدگاه رسمی گروه نمی‌باشد.

تقدیر

از همفکری آقایان: علی‌اشرف فتحی، محسن حسام‌مظاهری، روح‌الله هنرور، امید زند کریمخانی، علی سلطان‌زاده، محمد صمیمی، سرکار خانم مهشید زندی و گروه مداد (مرکز دراماتورژی ایرانی دوبال) سپاسگزاریم. همچنین از یکایک بزرگواران و یاورانی که ما را در تهیه این گزارش همراهی و هم‌یاری کردند، کمال تقدیر و تشکر را داریم: مشاوران حامی، واسطه‌های ارزشمند ارتباطی و حامیان مالی نیکوکار.

تقاضا

از جمله اهداف این گزارش، توسعه گفت‌وگو پیرامون مسئله حجاب است. از مخاطبان محترم صمیمانه خواستاریم نقدها و نظرات خود را پیرامون محتوای این پژوهش با ما و سایر علاقه‌مندان به صورت عمومی به اشتراک بگذارند. نقد این گزارش از بهترین بازخوردها برای ما خواهد بود.

فهرست

۵	چکیده
۶	سرخط

تعریف مسئله

۹	۱. رویکرد اندیشمندان به مسئله حجاب
۱۲	۲. الزام به حجاب از منظر فقه شیعه
۱۵	• مراجع موافق و مخالف الزام به حجاب
۱۶	• جدول دیدگاه و مبانی ۴۱ نفر از مراجع تقلید شیعه در مسئله اجبار به حجاب
۲۰	• بررسی آماری دیدگاه ۴۱ نفر از مراجع تقلید شیعه در مسئله اجبار به حجاب
۲۲	۳. سیر تغییرات قانون حجاب
۲۵	۴. پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی حجاب
۲۹	۵. تبیین اجتماعی مسئله حجاب

آینده‌نگاری

۳۳	• روش
۳۳	• روندها
۳۶	• تعریف مفاهیم محوری سناریوها
۳۷	• سناریوها
۳۸	• ذی‌نفعان
۴۱	• پیشنهادهای سیاستی
۴۵	• اولویت پیشنهادهای سیاستی در هر سناریو

| چکیده |

گزارش آینده‌نگاری الزام به حجاب در ایران، با هدف ترسیم سناریوهای محتمل در ۱۰ سال پیش رو ناظر به مسئله الزام به حجاب تدوین شده است. در این گزارش، پس از ارائه برخی اطلاعات درخصوص وضعیت فعلی حجاب در ایران، شامل رویکردهای عمده نظری به موضوع حجاب، الزام به حجاب در آراء فقهای معاصر، سیر تحول قوانین حجاب، مرور پژوهش‌های اجتماعی‌فرهنگی ناظر به مساله حجاب، تبیین اجتماعی مسئله حجاب به سناریوهای پیش روی این مسئله پرداخته شده است. سناریوهای مذکور با استفاده از روش پیتتر شوارتز (GBN) و با بررسی روندهای مهم و مؤثر بر این مسئله تنظیم شده است. در این گزارش چهار سناریوی متفاوت درباره آینده حجاب و بر مبنای دو محور بستگی / گشودگی فضای سیاسی و رواداری / عدم رواداری گروه‌های اجتماعی ارائه شده است. در هر سناریو، وضعیت ذی‌نفعان این مسئله، شامل حاکمیت، موافقان و مخالفان مذهبی / غیرمذهبی الزام به حجاب، تشریح و براساس شاخص‌های مختلفی میزان رضایت هر گروه از ذی‌نفعان در سناریوها بررسی شده است.

اسر خط |



تحولات اخیر |

در شهریور و مهر ۱۴۰۱، مخالفت با قانون حجاب به اعتراضات گسترده‌ای در شهرهای مختلف ایران و شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد. برخی چهره‌های ورزشی، هنری، سیاسی، اجتماعی و دانشگاهی نیز به این اعتراضات پیوستند. اعتراضات به مجروح و کشته شدن تعدادی از شهروندان، نیروهای پلیس منجر شد و به اموال شخصی و عمومی نیز خسارت زد. بخشی از مردم و چهره‌های اجتماعی و... نیز در مقابل معترضان تظاهرات کرده و بیانیه دادند. این اعتراضات در پی درگذشت دختری به نام مهسا امینی در گشت ارشاد تهران روی داد. علت درگذشت خانم امینی از موضوعات مورد اختلاف بین گروهی از معترضان و مقامات رسمی کشور است. به گفته پلیس، علت بازداشت ایشان تذکر برای رعایت حجاب بوده است. در حال حاضر حل مسئله حجاب چشم‌انداز روشنی ندارد.

اهمیت |

در سال‌های اخیر، مسئله حجاب به‌عنوان مسئله‌ای سیاسی، فرهنگی و دینی دچار چالش‌های گوناگونی بوده است. حجاب شکلی نمادین به خود گرفته و التزام یا عدم‌التزام به آن، علاوه بر معنای دینی، معنایی سیاسی نیز پیدا کرده است. شکاف اجتماعی و قطبی شدن جامعه از پیامدهای اختلاف بر سر قانون حجاب است. بروز خشونت کلامی و فیزیکی در ارتباط با مسئله حجاب افزایش پیدا کرده است. به دلیل جنبه دینی مسئله حجاب، نهاد دین و مراجع تقلید، در جایگاه ضلعی از مسئله، به‌صورت مستقیم درگیر شده و مطالبه ورود آن‌ها به این چالش افزایش پیدا کرده است. مطرح‌نبودن راه‌حل شفاف برای چالش‌های قانون حجاب و افزایش تنش پیرامون آن از مختصات نامطلوب این مسئله است. با ادامه اوضاع کنونی، افزایش تنش پیرامون قانون حجاب و مطالبه اعلام موضع نهاد دین در برابر این مسئله را می‌توان پیش‌بینی کرد. در صورت افزایش خشونت، پیش‌بینی می‌شود که فشار اجتماعی بیشتری به اشخاص محجبه وارد خواهد شد.

پیشنهاد‌های سیاستی |

فارغ از آینده قانون حجاب در ایران، کاهش رواداری و بروز خشونت بین مردم، در ارتباط با موضوع حجاب، زنگ خطری برای آینده کشور و تشیع خواهد بود. عملکرد شخصیت‌های دینی و افراد مشهور اجتماعی، مؤسسه‌ها و رسانه‌ها در مواجهه با مسئله حجاب، در کاهش یا افزایش رواداری اثر درخور توجهی خواهد گذاشت. پیشنهاد ما تلاش جدی و همگانی برای افزایش رواداری و کاهش خشونت در جامعه است.

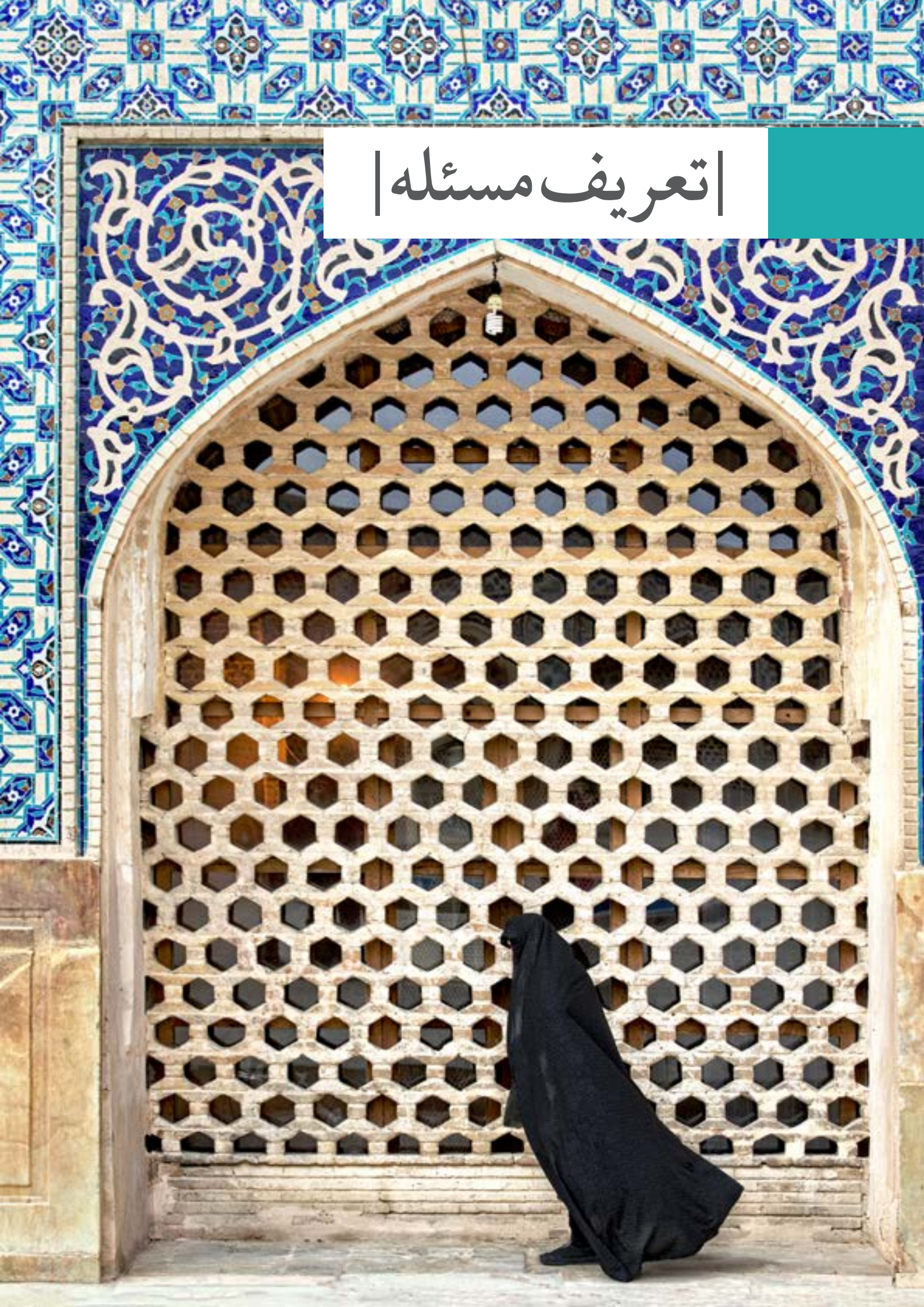
علاوه بر تأکید بر اهمیت رواداری، به‌صورت خاص این پیشنهادها را مطرح می‌کنیم:

۱. نقش آفرینی محوری جامعه در حل مسئله حجاب؛
۲. به‌رسمیت شناختن جریان‌های متکثر توسط جامعه؛
۳. پرداختن مستقل به مسئله عفاف و حیا فارغ از مسئله حجاب؛
۴. آموزش نسل آینده.

نکات:

- تمرکز این گزارش بر آینده «الزام به حجاب» بوده و در پی طرح سناریوها و پیشنهادهایی برای آینده «حجاب» در ایران نیست.
- توصیه به رواداری برای بخش مذهبی جامعه به معنی کنار گذاشتن دستور دینی نهی از منکر و امر به معروف نیست بلکه توجه‌دادن به اثرات منفی نهی از منکر زبانی و عملی در مسئله حجاب است. پیشنهاد ما برای گروه معتقد به حجاب جهت امر به معروف و نهی از منکر، انجام فعالیت‌های فرهنگی اقناعی و مستقل جهت انتخاب حجاب توسط مردم، همراه با رضایت و به صورت اختیاری است.
- تصمیمات سیاسی مربوطه به مسئله حجاب، تاثیر بسزایی در آینده آن خواهد داشت؛ اما با توجه به اینکه مخاطب هدف گروه بررسی‌های راهبردی میراث، جامعه مدنی است، پیشنهاد‌های تنظیم شده نیز متمرکز بر جامعه می‌باشد.

تعريف مسئلة





رویکرد اندیشمندان به مسئله حجاب^۱

یکی از حوزه‌های مهم در ارتباط با مسئله الزام به حجاب، شناخت رویکردهای مشهور درباره حجاب در جامعه ایرانی است. در این زمینه می‌توان دسته‌بندی‌های گوناگونی بر مبنای چارچوب‌های فکری مختلف ارائه کرد. رویکردهای موجود درباره حجاب در جدول ذیل ارائه شده است. در اینجا کوشش شده با نگاهی استقرایی رویکردهای مشهور این عرصه معرفی شوند. از این رو دسته‌بندی ارائه شده لزوماً از نظم منطقی خاصی پیروی نمی‌کند. عناوین انتخاب شده برای رویکردها و خوانش‌ها صرفاً جهت تبیین بهتر دسته‌بندی انتخاب شده است و الزاماً با تعاریف رایج همسان نیست.

۱ این بخش بر اساس «گزارش پژوهشی حجاب در آینه پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی» تنظیم شده که توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث منتشر شده است.

ردیف	رویکردها	خوانش‌ها	افراد منتخب رویکردها	ایده منتخب
۱	رویکرد سنتی	عبادی‌ایمانی	آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله مکارم شیرازی	پوشش تمام بدن زن، حتی وجه و کفین واجب و مطابق با احتیاط است. اغلب مراجع در قید حیات: پوشش تمام بدن به جز وجه و کفین لازم است و پوشش وجه و کفین احتیاط واجب ندارد.
۲	رویکرد نواندیشان	عرفی اجتماعی	عبدالکریم سروش	عدم الزام اخلاقی پوشش حجاب و عفاف و عدم نسبت میان حجاب و کنش عقیفانه.
		عدم الزام اخلاقی	سروش دباغ	نپوشاندن گردن و موی سر غیر اخلاقی و غیر عقیفانه نیست.
		عدم الزام فقهی	محسن کدیور	پوشاندن گردن به بالا و زانو به پایین لازم نیست.
		عدم الزام حکومتی	سید محمدعلی ایازی، محمد رضا زائری	ایازی: اصل حجاب واجب است و فرهنگ‌سازی نسبت به آن لازم است؛ ولی رعایت حجاب الزام حکومتی ندارد. زائری: من معتقدم که الزام و اجبار به حجاب از اول در کشور اشتباه بوده است؛ یعنی یک ارزش متعالی که افراد باید برای آن التماس می‌کردند را اجباری کردیم، مثل پدر و مادری که در خانه بخواهند یک غذای مطلوب را به زور به بچه دهند.
تفسیری تاریخی	محمد مجتهد شبستری، امیرحسین ترکاشوند، رضا علیجانی	شبستری: پرداختن به بحث حجاب و پوشش نیازمند تحول تبیینی و تفسیری است و نظام‌های فقهی به علت مبتنی بودن بر پیش‌فرض‌ها قانع‌کننده نیستند. ترکاشوند: وی حجاب حجاز را به معنای عفت می‌گیرد و پوشش سر را فاقد استناد نقلی معتبر می‌داند.		

ردیف	رویکردها	خوانش‌ها	افراد منتخب رویکردها	ایده منتخب
۳	رویکرد تبیینی	خوانش هویت‌محور نمادین (سمبولیکی)	سید محمود طالقانی، امام خمینی، مرتضی مطهری	دال مرکزی در این خوانش، عفاف است که با حجاب پیوند ناگسستنی دارد.
		خوانش هویت‌محور نمادین (سمبولیکی)	آیت‌الله خامنه‌ای	این خوانش نشان می‌دهد که حجاب و پوشش زنان در پیوستار خود، ادامه‌تطور معنایی حجاب در گفتمان اسلامی است که با وجود گفتمان‌های رقیب توانسته است ضمن تأکید بر حفظ عفت و حجاب زنان در عرصه‌های اجتماعی، معناداری پوشش و سویه‌های نمادین (سمبولیک) آن را همچون نماد مقاومت و مبارزه سیاسی اجتماعی زنان ایرانی بازنمایی کند.
۴	رویکرد زنانه‌نگر	خوانش مبتنی بر انزوا	مهرانگیز کار، نوشین عبادی، شهلا لاهیجی و...	با وجود تحولات جهانی درباره زنان، فمینیست‌های مسلمان حجاب را به‌مثابه ابزار انزوا و محدودیت زنان تفسیر می‌کنند. خاستگاه این رویکرد درباره حجاب را باید در اندیشه‌های کسانی همچون فاطمه مرنیسی جست‌وجو کرد.
		خوانش مبتنی بر انتخاب	زیبا میرحسینی	با ایجاد فضای باز سیاسی در جامعه (۱۹۹۰ در کنفرانس برلین) چالشی تازه بر سر مسئله حجاب به وجود آمد و حجاب به‌مثابه امری اجباری در مقابل گفتمان غالب به چالش کشیده شد و حربه‌ای برای نقد گفتمان رسمی به دست آمد.

الزام به حجاب از منظر فقه شیعه^۲

اختلافی وجود ندارد. میان فقیهان اختلاف است که نهی از منکر بر نوع قلبی و عملی نیز صدق می‌کند یا نه. همچنین فقیهان از سده‌های نخستین در این باره بحث کرده‌اند که نهی از منکر عملی مشروعیت فقهی دارد یا خیر. باین حال غالب فقیهان از سده‌های میانی تاکنون، نهی از منکر عملی را با رعایت ترتیب پذیرفته‌اند. در نتیجه اگر کسی عمل حرامی مرتکب شود، دیگران وظیفه دارند او را نهی کنند؛ به این صورت که اگر نهی از منکر قلبی و زبانی مؤثر واقع نشد، با توسل به خشونت و زور او را از منکر باز دارند. فقیهان برای اینکه چنین اختیاری را برای عموم مسلمانان اثبات کنند، اختلاف نظر دارند که منشأ آن، اختلاف آنان در برداشت از آیات و روایات است. برخی فقیهان با این استدلال که در آیات و روایات، دستور به نهی از منکر به صورت مطلق آمده و در آن‌ها قیدی ذکر نشده است، برای عموم مسلمانان این حکم را ثابت می‌کنند. در مقابل، بعضی دیگر از فقیهان بر این باورند که این گزاره‌ها عام و مطلق نبوده و قیدهایی در متون دینی وجود دارد که نشان می‌دهد دست کم در صورتی که توسل به خشونت به ایراد جرح منجر شود، نیاز است از حاکم شرع یا همان مجتهد جامع‌الشرایط اجازه گرفته شود.

حجاب از مفاهیم دینی است که در ادیان ابراهیمی بر آن تأکید شده است. شریعت اسلام نیز در این باره احکام خاصی را مقرر کرده است. در اغلب خوانش‌های سنتی موجود از اسلام و براساس آیات قرآن و روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) اصل حجاب و مراعات آیین پوشش برای زنان و مردان مسلمان ضروری تلقی شده است. نظر رایج در فقه شیعه چنین بوده که میزان حجاب شرعی واجب برای زنان شامل تمام قسمت‌های بدن به جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ آن‌هاست. صرف نظر از این موضوع، پرسش مهم این است: آیا به لحاظ فقهی می‌توان زنان مسلمان را به رعایت حجاب شرعی ملزم ساخت یا نه؟

در این زمینه میان فقیهان شیعه اختلاف نظر وجود دارد که عمدتاً به سه موضوع باز می‌گردد:

۱. الزام با توسل به نهی از منکر عملی:

بسیاری از فقیهان بر این باورند که نهی از منکر، نهادی ثابت‌شده در شریعت اسلامی بوده و عمل به آن واجب است. غالب فقیهان نهی از منکر را به سه دسته قلبی و زبانی و عملی تقسیم می‌کنند. درباره نهی از منکر زبانی و با گفتار، تقریباً هیچ

^۲ این بخش بر اساس «گزارش پژوهشی اجبار به حجاب در فقه شیعه» تنظیم شده که توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث منتشر شده است.



احکام اسلامی را اجرا کند. برخی این محدوده را صرفاً در قلمرو فتوادادن و حل و فصل مسائل قضایی می‌دانند. برخی دیگر نیز بر این باورند در امور حسبه نیز فقیه ولایت دارد؛ یعنی اموری که شارع راضی به ترک آن‌ها نیست، مانند اداره اموال غایبان مفقودالاثر. یکی از این موضوعات، گسترش گناه در جامعه است که فقیه می‌تواند با تعیین مجازات‌های غیرمعتاد در نصوص دینی، که همان تعزیر باشد، از پیشروی و گسترش فساد و گناه جلوگیری کند. به این میزان از ولایت، «ولایت مقیده فقیه» گفته می‌شود. در این میان، برخی فقیهان قلمرو گسترده‌تری برای فقیه قائل‌اند و معتقدند در زمانی که امامان معصوم (علیهم‌السلام) در میان مردم حضور نداشته باشند، لازم است تا در صورتی که شرایط فراهم باشد یا فراهم شود، حکومت اسلامی تشکیل شود و در آن احکام شرعی به اجرا گذاشته شود. عموماً چنین است که اگر فقیهی به ولایت فقیه در امور حسبه یا فراتر از آن، به ولایت مطلقه باور داشته باشد، بر خود وظیفه خواهد دانست احکام اسلامی را در جامعه اجرا کند و یکی از آن‌ها، گسترش حجاب و جلوگیری از بی‌حجابی یا بدحجابی است. در مقابل، فقیهانی هستند که دلایل ناظر به ولایت مطلقه را کافی نمی‌دانند و در نتیجه معتقدند نمی‌توان شریعت را به اجرا گذاشت. طرفداران اجبار

۲. الزام با توسل به قاعده عمومی

تعزیرات: نهاد تعزیرات در کنار نهاد حدود، در فقه اسلامی، پیشینه‌ای طولانی دارد. غالباً تعزیر را مجازاتی نامیده‌اند در مقابل حد که شامل گناهی می‌شود که برای آن‌ها در قرآن و حدیث مجازات مشخصی ذکر نشده است. در متون دینی موجود، برای رعایت نکردن حجاب، مجازات مستقل و مشخصی اعلام نشده است. در اینجا پرسش این است: آیا می‌توان قاعده‌ای را بنیان نهاد که بر آن اساس، هر گناهی مجازاتی داشته باشد و حاکم شرع یا مجتهد جامع‌الشرایط به مصلحتی که تشخیص می‌دهد، بتواند آن مجازات را اجرا کند؟ برخی فقیهان بر این باورند که از محتوای گزاره‌های حدیثی می‌توان این قاعده را اثبات کرد. اینان از تعیین مجازات برای گناهان غیرحدی، نتیجه می‌گیرند که همه گناهان تعزیربردارند. در مقابل، برخی فقیهان این دلایل را کافی نمی‌دانند و تعزیر را نمی‌پذیرند؛ به جز در مواردی که در احادیث معتبر برایشان مقدار مشخصی تبیین شده باشد.

۳. ولایت فقیه و حکومت اسلامی: بسیاری از

فقیهان با استفاده از دلایل دینی اثبات می‌کنند که فقیه ولایت دارد؛ یعنی می‌تواند در مواضعی با استفاده از نظر و مصلحتی که تشخیص می‌دهد،



قلمروی تکالیف عملی و رفتارها را در بر نمی‌گیرد.

در مقابل، فقیهان مخالف اجبار به حجاب چند دلیل دارند:

۱. آن‌ها معتقدند نهی‌ازمنکر عملی در واقع، نهی‌ازمنکر نیست و باید عنوان دیگری مانند تعزیر برای آن در نظر گرفت.
۲. آن‌ها می‌گویند اگر تعزیر باشد نیز قاعده‌ای عمومی نمی‌توان تشکیل داد که بر آن اساس همه گناهان اجتماعی تعزیر بردارند.
۳. به باور این گروه، حکومت اسلامی و ولایت مطلقه فقیه دلایل کافی و موجه ندارند.
۴. اینان معتقدند عقل حکمی در این باره ندارد که مسلمانان موظفانند به هر شکل ممکن از ارتکاب حرام جلوگیری کنند.
۵. در مقابل، آیات و روایاتی مانند «لا إكراه فی الدین» (بقره، ۲۵۶) یا «الهدایة آنها من الله» (کلینی، الکافی، ج ۱: ۱۶۶)، قیدی ندارند که تنها در خصوص اعتقادات و باورهای شخصی‌اند؛ بلکه نشان می‌دهد انسان‌ها چه در موقع اسلام آوردن و چه پس‌از آن، در حیطة رعایت احکام شرعی مختارند و نمی‌توان آنان را به‌زور به رعایت احکام شرعی وادار کرد.

به حجاب برای آنکه سخن خود را اثبات کنند، عمدتاً نهی‌ازمنکر عملی را کافی می‌دانند. این موضوع به‌ویژه چند دلیل دارد:

۱. قرآن: این دسته از فقیهان بر این باورند که آیات قرآن درباره امر به معروف و نهی‌ازمنکر، مطلق است و هر نوع از امر و نهی را در بر می‌گیرد که یکی از آن انواع، با توسل به خشونت و زور است.

۲. روایات: همچنین با استفاده از روایاتی که جلوگیری از فعل حرام را تجویز می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که زنان بدون حجاب شرعی را می‌توان از کار حرامشان بازداشت.

۳. عقل: این گروه از فقیهان در پی آن‌اند که نشان دهند با دلیل عقلی می‌توان اثبات کرد اجرای شریعت امری لازم است. در نتیجه می‌گویند عقل حکم می‌کند که باید از اشاعه گناه و ترویج آن در جامعه با هر وسیله‌ای که ممکن است جلوگیری کرد. البته در مواردی که به کشتن برسد، عقل دلیلی ندارد یا اجازه حاکم شرعی را لازم می‌داند. این گروه از فقیهان معتقدند آیات و روایات نفی اکراه، ناظر به ممنوعیت اکراه و اجبار در حوزه اعتقادات است و

مخالفان صریح الزام به حجاب |



آیت‌الله سیدتقی طباطبایی قمی



آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری



آیت‌الله یوسف صانعی

مخالفان ضمنی الزام به حجاب |

به دلیل شرایط روز



آیت‌الله حسینعلی منتظری



آیت‌الله محمداسحاق فیاض



آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی



آیت‌الله سیدمحمدجواد علوی بروجردی

موافقان صریح الزام به حجاب |



آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای



امام خمینی



آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی



آیت‌الله سیدمحمدرضا گلپایگانی



آیت‌الله حسین نوری همدانی



آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی



آیت‌الله جعفر سبحانی



آیت‌الله سیدمحمدمود هاشمی شاهرودی



آیت‌الله سیدمحمدعلی علوی گرگانی

دیدگاه و مبانی ۴۱ نفر از مراجع تقلید معاصر شیعه در مسئله اجبار به حجاب

دیدگاه			نام مرجع تقلید (به ترتیب نام خانوادگی)
ولایت فقیه	تعزیرات عام یا حجاب	نهی از منکر عملی	
*مقیده		*	محمدعلی اراکی 
*مقیده			سیدحسین طباطبایی بروجردی 
		*	محمدتقی بهجت 
*مقیده	*	*	جواد تبریزی 
*مطلقه	*	*	عبدالله جوادی آملی 
-		*	سیدمحسن حکیم 
*مقیده		*	سیدمحمدسعید حکیم 
*مطلقه	*	*	سیدعلی خامنه‌ای 
*مطلقه	*	*	سیدروح‌الله خمینی 
-		*	سیداحمد خوانساری 

دیدگاه			نام مرجع تقلید (به ترتیب نام خانوادگی)
ولایت فقیه	تعزیرات عام یا حجاب	نهی از منکر عملی	
*مقیده	*	*	سید ابوالقاسم خوئی 
-		*	سید محمد روحانی 
*مطلقه	*	*	سید محمد صادق روحانی 
*مطلقه	*	*	جعفر سبحانی 
*مقیده		*	محمد سند بحرانی 
*مقیده		*	سید علی سیستانی 
*مطلقه			سید محمود حسینی شاهرودی 
*مطلقه	*	*	سید محمود هاشمی شاهرودی 
*مقیده		*	سید موسی شبیری زنجانی 
-	-	-	سید کاظم شریعتمداری 

دیدگاه			نام مرجع تقلید (به ترتیب نام خانوادگی)
ولایت فقیه	تعزیرات عام یا حجاب	نهی از منکر عملی	
*مقیده		*	سیدصادق حسینی شیرازی 
*مقیده		*	سیدمحمد حسینی شیرازی 
*مطلقه	*	*	لطف‌الله صافی گلپایگانی 
*مطلقه	-	-	یوسف صانعی 
*مطلقه		*	سیدمحمدباقر صدر 
-		*	سیدحسن طباطبایی قمی 
		-	سیدتقی طباطبایی قمی 
		-	سیدمحمدجواد علوی بروجردی 
*مطلقه	*	*	سیدمحمدعلی علوی گرگانی 
*مطلقه	*	*	محمد فاضل لنکرانی 
*مطلقه	-	*	محمداسحاق فیاض 

دیدگاه			نام مرجع تقلید (به ترتیب نام خانوادگی)
ولایت فقیه	تعزیرات عام یا حجاب	نهی از منکر عملی	
*مطلقه	*	*	سیدمحمد رضا گلپایگانی 
*مطلقه	*	*	سیدمحمد تقی مدرسی 
*مطلقه	*	*	سیدشهاب الدین مرعشی نجفی 
*مطلقه	*	*	ناصر مکارم شیرازی 
*مقیده	*	*	حسینعلی منتظری 
*مطلقه		*	سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی 
*مقیده		*	سیدمحمد هادی میلانی 
*مطلقه		*	بشیرحسین نجفی 
*مطلقه		*	حسین نوری همدانی 
*مقیده	*	*	حسین وحید خراسانی 

توضیح: علامت «*» به معنای موافقت است. مقصود از «مقیده» ولایت مقیده و «مطلقه» ولایت مطلقه است. همچنین علامت «-» یعنی مخالفت فقیه مورد نظر با حکم و جای خالی یعنی نظر آن فقیه یافت نشده است.

بررسی آماری دیدگاه ۴۱ نفر از مراجع تقلید معاصر شیعه در ارتباط با اجبار به حجاب

۴ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۹.۷۵٪ نهی از منکر عملی را قبول ندارند.

۹.۷۵٪

۳ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۷.۳۱٪ درباره نهی از منکر عملی هیچ سخنی در حد نظر استدلالی یا فتوا نگفته‌اند.

۷.۳۱٪

۱۷ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۱.۴۶٪ قاعده عمومی تعزیرات را می‌پذیرند.

۴۱.۴۶٪

۲۰ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۸.۷۸٪ هیچ سخنی در حد نظر استدلالی یا فتوا درباره قاعده عام تعزیرات ندارند.

۴۸.۷۸٪

۵ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۲.۹٪ درباره ولایت فقیه یا لزوم پیروی از قوانین حکومت اسلامی سخنی در حد نظر استدلالی یا فتوا ندارند.

۱۲.۹٪

۳ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۷.۳۱٪ قاعده عمومی تعزیرات یا تعزیر در خصوص حجاب را رد کرده‌اند.

۷.۳۱٪

۱۷ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۱.۴۶٪ قاعده عمومی تعزیرات را می‌پذیرند.

۴۱.۴۶٪

۵ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۲.۱۹٪ ولایت مقیده فقیه را هم قبول ندارند.

۱۲.۹٪

<p>۱۸ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۳.۹٪ ولایت مطلقه فقیه را قبول دارند.</p>	<p>۴۳.۹٪</p>	<p>۱۳ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۳۱.۷٪ ولایت مقیده فقیه را قبول دارند.</p>	<p>۳۱.۷٪</p>
<p>۷ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۷.۰۷٪ قاعده عمومی تعزیرات را تنها در حد نظر استدلالی پذیرفته‌اند.</p>	<p>۱۷.۰۷٪</p>	<p>۹ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۲۱.۹۵٪ نهی از منکر عملی را تنها در حد نظر استدلالی پذیرفته‌اند.</p>	<p>۲۱.۹۵٪</p>
<p>۴ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۹.۷۵٪ ظاهراً حجاب اجباری را قبول ندارند.</p>	<p>۹.۷۵٪</p>	<p>۲۲ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۵۳.۶۵٪ ولایت فقیه یا لزوم پیروی از قوانین حکومت اسلامی را صرفاً در حد نظر استدلالی پذیرفته‌اند.</p>	<p>۵۳.۶۵٪</p>
<p>۱۸ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۳.۹٪ ظاهراً حجاب اجباری را دست‌کم به احتمال ۵۰ درصد در مقام نظر استدلالی یا فتوا قبول دارند.</p>	<p>۴۳.۹٪</p>	<p>۱۹ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۴۶.۳۴٪ قطعاً حجاب اجباری را دست‌کم در قالب نظر استدلالی قبول دارند.</p>	<p>۴۶.۳۴٪</p>
<p>۵ نفر از ۴۱ مرجع تقلید یعنی ۱۲.۱۹٪ با وجود انکار ولایت فقیه اعم از مطلقه و مقیده یا انکار لزوم پیروی از قوانین حکومت اسلامی، با احتمال ۵۰ درصد در مقام نظر استدلالی یا فتوا، مشروعیت حجاب اجباری را به دلیل نهی از منکر عملی یا قاعده عمومی تعزیرات می‌پذیرند.</p>	<p>۱۲.۱۹٪</p>		

سیر تغییرات قانون حجاب^۳

یکی از عرصه‌های مهم در فهم مسئله الزام به حجاب، عرصه حقوقی و قانونی است. در این راستا تحولات قوانین مرتبط با حجاب در ایران پس از انقلاب به این شرح است:

۱۳۶۸

تشکیل کمیسیون جهت تشخیص مظاهر فساد

۱۳۷۱

ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات: معرفی زنان بدحجاب به دادسراها

۱۳۷۵

حذف ماده ۱۰۲ و جایگزینی ماده ۶۳۸: تغییر قانون مجازات بدحجابی از شلاق به حبس و جزای نقدی

۱۳۷۶

قانون عام پوششی

۱۳۸۴

مصوبه راهبردهای گسترش عفاف و حجاب

۱۳۵۷-۱۳۵۹

صدور بخشنامه‌ها

۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰

تغییر آیین‌نامه پوشش مدارس

۱۳۶۰

صدور نخستین قانون پوشش در مجلس شورای اسلامی

۱۳۶۲

تغییر حکم تعزیرات تا ۷۴ ضربه شلاق برای افراد بدحجاب، ادامه تغییرات پوششی مدارس

۱۳۶۵

طبق ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات: توبیخ و مجازات فروشندگان لباس زیر

^۳ این بخش بر اساس «گزارش پژوهشی حجاب در آینه پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی» تنظیم شده که توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث منتشر شده است.



طی بخشنامه‌های جداگانه‌ای، سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها همچون وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت بهداری، دیوان محاسبات، بانک ملت، آموزش و پرورش، وزارت صنایع و معادن، دادگستری، تأمین اجتماعی و هواپیمایی هما، استفاده از پوشش اسلامی را ابلاغ کردند. در این بخشنامه‌ها دستور اداری مبنی بر رعایت حجاب اسلامی آمده بود؛ اما ضمانت اجرایی در تخلف از این بخشنامه‌ها وجود نداشت. از این رو در ۱۶ تیر ۱۳۵۹، شورای انقلاب با صدور مصوبه‌ای این ضمانت اجرا را مشخص کرد: «خانم‌ها بدون پوشش اسلامی حق ورود به ادارات دولتی را نداشته باشند و ادارات اجازه دارند جلوی ایشان را بگیرند.» پس از صدور این مصوبه، در ۱۶ تیر ۱۳۵۹ طی فرمانی از سوی علی قدوسی دادستان کل انقلاب، اطلاعیه‌ای صادر شد و از وزارتخانه‌ها و مؤسسات اداری خواسته شد که اگر کارمندی بدون پوشش اسلامی در محل کار حاضر شد، بلادرنگ حقوق و مزایای او قطع شود.^۶

نظر به تأسیس دادگاه مبارزه با منکرات در سال ۱۳۵۹ با هدف مقابله با این‌گونه منکرات، دادستان کل انقلاب به زنان بی‌حجاب اخطار داد از پوشیدن لباس‌های جلف و آرایش‌های تند و غلیظ خودداری کنند تا حرمت انقلاب و جامعه رعایت شود.^۷ در تیر ۱۳۶۰، مصادف با شروع ماه رمضان، ضمن اعلام مقررات این ماه، از صاحبان اماکن عمومی نیز خواسته شد تا به دستور دادگاه مبارزه با منکرات، از پذیرفتن مهمانان و مشتریانی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در حد فاصل سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ بخشنامه‌هایی در ارتباط با حجاب صادر شد. برای نمونه امام‌خمینی در سخنرانی ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ در مدرسه فیضیه اعلام کرد: «وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند. زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند.»^۴ در فاصله سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ بخشنامه رسمی یا قانونی مبنی بر نوع پوشش صادر نشد.

مرحله بعدی ریل‌گذاری و سیاست‌گذاری رسمی لزوم استفاده از روسری و مانتو و شلوار در ادارات و فضای عمومی بود. در ۸ تیر ۱۳۵۹ امام‌خمینی ناراحتی خود را از ادارات دولتی ابراز کرد.^۵ در پاسخ به این ابراز ناراحتی، ادارات و نهادهای دولتی با صدور بخشنامه‌های حجاب را الزامی کردند.

تلاش برای تغییر آیین‌نامه پوشش دانش‌آموزان، قانون‌گذاری را از ادارات و فضای عمومی به حوزه مدرسه منتقل کرد. تغییر لباس دختران دانش‌آموز نیز در همین راستا در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ با تغییراتی اعلام شد. در سال ۱۳۶۲ تغییرات دیگری در آیین‌نامه پوشش مدارس داده شد. همچنین استفاده از مقنعه برای دانش‌آموزان جنبه توصیه‌ای داشت و الزام و اجباری در آن دیده نمی‌شد. اما بعد از آن استفاده از پوشش مقنعه جنبه الزامی پیدا کرد و حتی تغییراتی در رنگ پوشش مدارس نیز به وجود آمد.

۶. روزنامه کیهان، ۱۶ تیر ۱۳۵۹، ش ۱۱۰۲۸، ص ۱۳.

۷. روزنامه کیهان، ۱۳ خرداد ۱۳۶۰، ش ۱۱۲۹۹، ص ۱۰.

۴. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۲۹.

۵. روزنامه کیهان، ۱۰ تیر ۱۳۵۹، ش ۱۱۰۳۲، ص ۲.

که ظواهر اسلامی را رعایت نمی‌کنند، خودداری کنند.^۸ این نوع دستورالعمل‌ها با اطلاعیه دادستانی عمومی تهران که به همه ادارات و سازمان‌های دولتی و شرکت‌های دولتی و خصوصی اماکن عمومی ابلاغ شد و از ورود بانوان بدون حجاب به این اماکن ممانعت به عمل آمد، کامل شد.

بررسی سیر صدور اطلاعیه‌ها و بخشنامه‌ها نشان می‌دهد که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۳، ضمن ابلاغ ممنوعیت ارائه خدمات ادارات به زنان بدون پوشش اسلامی، این امر به فعالان فضاهای عمومی تری همچون کسبه و رانندگان تاکسی نیز اعلام شد.

نخستین قانون پوشش در مجلس شورای اسلامی در مهر ۱۳۶۰ تصویب شد که به بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مربوط بود. در بند ۵ ماده ۱۸ آن عدم رعایت حجاب اسلامی به عنوان یکی از موارد خلاف اخلاق عمومی شناخته شد و مطابق ماده ۲۰، مجازات‌هایی همچون توبیخ کتبی با درج در پرونده تا بازخريد و اخراج و انفصال از خدمت را در پی داشت. در سال ۱۳۶۲، قانون هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، اعتبار خود را از دست داد و براساس قانون جدید، بند ۱۳ ماده ۸ این قانون، تخلفات مربوطه مشمول مجازات‌های اداری شناخته شد. در ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ در ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات، مقرر شد: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.» در تبصره همین ماده نیز آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.»

مجری این قانون تا سال ۱۳۷۱، کمیته انقلاب اسلامی یا گشت ثارالله و دادگاه‌های انقلاب بود. با تأسیس نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۱ نیروی انتظامی مأمور اجرای این ماده گردید. براساس تبصره ماده ۱۰۲، چنان‌که اشاره شد، مجازات شلاق در نظر گرفته شده بود؛ اما در سال ۱۳۷۵ این ماده لغو شد و «تبصره ماده ۶۳۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵» جانشین آن شد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر می‌شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند

شد؛ یعنی مجازات از شلاق، به حبس و جزای نقدی تغییر کرد. در سال ۱۳۶۵ با نظر به ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات، قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات طبق ماده ۲ این قانون، فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است یا افکار عمومی را جریحه‌دار می‌کند، به تصویب رسید. این قانون تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش تا جریمه نقدی را شامل می‌شد.

در آیین‌نامه اجرایی قانون مصوب ۱۳۶۸^۹ قرار شد کمیسیونی مرکب از برخی دستگاه‌های اجرایی مظاهر فساد را تشخیص دهند و به مراجع قضایی ابلاغ کنند؛ اما این کمیسیون تا سال ۱۳۷۰ تشکیل نشد و پس از آن، نیروی انتظامی مصادیق نقض حجاب شرعی را مشخص می‌کرد.^{۱۰}

منظور از قوانین عمومی، قوانینی است که برای همه شهروندان، صرف نظر از شغل یا موقعیت یا حضورشان در مکان‌های خاص لازم‌الاجراست. قوانین اختصاصی قوانینی است که به مناسبت حرفه یا صرفاً در برخی اماکن لازم‌الاجراست؛ هرچند استثنائاتی هم وجود دارد. عموماً قوانین دسته اول را مراجع قانون‌گذاری بالاتری مانند مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی وضع می‌کند و قوانین دسته دوم، بیشتر حالت آیین‌نامه و بخشنامه دارند و مراجع اداری یا مجامع صنفی آن‌ها را وضع می‌کنند.^{۱۱}

با این حال، قوانین عام پوششی در نظر حاکمیت کافی به نظر نرسید و لذا به مقوله فرهنگ‌سازی روی آورد. از این رو شورای عالی انقلاب فرهنگی مفهوم حجاب را به عفاف توسعه داد و مصوباتی در این زمینه معین کرد که مهم‌ترین آن‌ها راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف بود که در ۴ مرداد ۱۳۸۴ به تصویب رسید که در آن بر «زمینه‌سازی اجتماعی برای دختران و پسران جهت کشف و رشد استعدادها... به منظور جلوگیری از بروز جلوه‌گری‌های نامناسب» و بر «تبیین ضرورت رعایت عفاف و حجاب» تأکید شد.^{۱۲}

۹. مصوب ۵ تیر ۱۳۶۸.

۱۰. صدر، شادی، «شهر ممنوع»، روزنامه یاس نو، ۷ خرداد ۱۳۸۴، ش ۲۳، ص ۱۰.

۱۱. صدر، شادی، مجموعه قوانین و مقررات در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱.

۱۲. مصوبه شماره ۱۴۱۶ در وبگاه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به نشانی: <https://sccr.ir/pro/1416/%D8%B1%D8%A7%D9%87%D8%A8%D8%B1%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%DA%AF%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%B4-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF-%D8%B9%D9%81%D8%A7%D9%81>

پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی حجاب^{۱۳}

تاکنون در خصوص مسئله حجاب پژوهش‌ها و مطالعات فراوانی شده است که به ابعاد مختلفی از این مسئله پرداخته‌اند. آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای است از نتایج مجموعه‌ای از پژوهش‌های این حوزه که در پنج دسته موضوعی طبقه‌بندی شده‌اند: ارزشمندی، ضرورت، حدود، پیامدهای حجاب از نگاه مردم و نگاه مردم به مداخله حاکمیت در امر حجاب. لازم به ذکر است نتایج ارائه شده از پژوهش‌ها به دلیل تفاوت در جامعه آماری و گویه‌های طرح شده در پرسش‌نامه‌ها ممکن است در برخی موارد در تقابل و متضاد با یکدیگر به نظر برسند.

۱۳ این بخش بر اساس «گزارش پژوهشی حجاب در آینه پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی» تنظیم شده که توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث منتشر شده است.

ردیف	موضوع	گزیده محتوا	یافته محوری
۱	ارزشمندی حجاب	<p>رفیع پور کاهش ارزشمندی حجاب در مقایسه دو پژوهش در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۶۵.</p> <hr/> <p>فرجی و حمیدی سال ۱۳۹۰ ارزش حجاب با شاخص زیبایی کاهش یافته است.</p> <hr/> <p>پیمایش ملی، سال ۱۳۸۸ ۵۴/۳ درصد معتقدند داشتن حجاب موجب پنهان شدن زیبایی ظاهری می شود.</p> <hr/> <p>افکارسنجی ایسپا، سال ۱۳۹۳ ۴۸/۴ درصد پاسخگویان میزان رواج بدحجابی را جزو آسیب‌های اجتماعی ذکر کرده‌اند.</p> <hr/> <p>نظرسنجی ایسپا، سال ۱۳۹۴ ۴۵ درصد با چادر در اجتماع ظاهر می‌شوند.</p>	کاهش ارزشمندی حجاب در ارتباط با برخی شاخص‌ها
۲	ضرورت حجاب	<p>پژوهش سال ۱۳۵۸ ۶۷ درصد حجاب را برای زن لازم می‌دانند.</p> <hr/> <p>پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۷ ۹۵/۶ درصد به حجاب معتقدند.</p> <hr/> <p>موج سوم پیمایش، سال ۱۳۹۴ حجاب از میان ۲۵ اولویت در امر ازدواج، در ردیف چهارم قرار دارد.</p> <hr/> <p>افکارسنجی ایسپا، سال ۱۳۸۸ ۷۷ درصد رعایت نکردن حجاب و پوشش را عامل اختلاف زوجین و ضرررساننده به خانواده می‌دانند.</p>	وجود ضرورت حجاب در جامعه از نگاه مردم

	<p>پژوهش سازمان تبلیغات، سال ۱۳۹۰ ۶۴/۷ درصد حجاب عرفی را مدنظر دارند. همچنین ۳۲/۵ درصد معتقدند حجاب شکل ثابتی ندارد؛ ولی ۵۶ درصد معتقدند که حدود مشخصی دارد. ۶۶/۹ درصد به احکام حجاب عمل می‌کنند و تنها ۶ درصد احکام حجاب را ترک می‌کنند.</p> <hr/> <p>افکارسنجی ایسپا، سال ۱۳۸۸: ۶۷/۷ درصد پاسخگویان حدود شرعی را رعایت می‌کنند.</p> <hr/> <p>پژوهش ۱۳۸۸ گسست میان حجاب شرعی و عرفی.</p> <hr/> <p>فرجی و حمیدی، سال ۱۳۸۸ بیشتر زنان تهران به حجاب عرفی معتقدند.</p> <hr/> <p>پژوهش سال ۱۳۸۹ اکثریت به حجاب عرفی معتقدند.</p> <hr/> <p>افکارسنجی ایسپا، سال ۱۳۹۳ بیش از نیمی از پاسخگویان حجاب عرفی را در نظر دارند.</p> <hr/> <p>موج سوم پیمایش ملی، سال ۱۳۹۵ ۴۶/۱ درصد تمایل به استفاده از چادر دارند.</p>	حدود حجاب	۳
اعتقاد به وجود پیامدهای منفی بدحجابی در جامعه	در بیشتر پژوهش‌ها به پیامدهای عدم رعایت حجاب اشاره شده است. ارتباط میان پیامدهای حجاب و امنیت اجتماعی بیشتر مدنظر بوده است.	پیامدهای حجاب	۴



افکارسنجی سال ۱۳۸۵

۳۴ / ۷ درصد حجاب را امری شخصی می‌دانند.

پژوهش سال ۱۳۸۵

۵۵ / ۵ درصد معتقدند با افراد بدحجاب باید برخورد کرد.

پژوهش سال ۱۳۹۱ (تحلیل ثانویه)

۴۱ / ۷۳ درصد به لزوم اجبار و الزام قانونی حجاب معتقدند.

موج دوم پیمایش ملی، سال ۱۳۹۲

۶۵ / ۹ درصد مخالف برخورد با بدحجابی هستند و ۵ / ۰ درصد برخورد را وظیفهٔ مراجع ذی‌صلاح می‌دانند.

واعظی، وضعیت‌سنجی کلان‌شهرها، سال ۱۳۹۲

۷۹ / ۲ درصد از افراد بدحجاب مخالف برخورد با این پدیده بودند و ۸ / ۰ درصد از محجبه‌ها مخالف برخورد الزامی با حجاب بودند.

موج سوم پیمایش ملی، سال ۱۳۹۴

۶۷ / ۷ درصد مخالف برخورد با بدحجابی هستند و ۲ / ۱ درصد برخورد را وظیفهٔ مراجع ذی‌صلاح می‌دانند.

نیپذیرفتن مداخلهٔ
حکومت در امر
حجاب از سوی
مردم

مداخله

۵

تبیین اجتماعی مسئله حجاب

احمد قابل ارائه کرده‌اند) دست‌کم در نسل کنونی جامعه مذهبی محقق نگردد.

۲.۱. حجاب در معنای سیاسی و اجتماعی: در

این نگاه حجاب به‌مثابه مفهومی اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد. همچنین برای موافقان و مخالفان حجاب قانونی، حجاب مفهومی است که به تقویت یا تضعیف قدرت سیاسی کمک خواهد کرد. در این چارچوب، بسیاری از حامیان جمهوری اسلامی، با برقرار کردن پیوند میان دینی‌بودن نظام و اجرای احکام اسلامی و مشخصاً الزام به حجاب، دست‌کشیدن از این امر را مترادف با غیردینی‌شدن یا فاصله‌گرفتن نظام از آرمان‌های دینی و مذهبی قلمداد کرده و احتمالاً در راستای تغییرنکردن این دست سیاست‌ها اقدام خواهند کرد.

از سوی دیگر، مخالفان قانون حجاب و حواشی آن، نظیر برخورد گشت ارشاد با بی‌حجابی، بی‌گمان، مستقیم یا غیرمستقیم به جوانب سیاسی این امر پرداخته و چنان‌که در اعتراضات شهریور و مهر ۱۴۰۱ دیده شد، اینان مطالبات خود را در خصوص حجاب، متوجه مسئولان یا ایده‌های سیاسی حاکم می‌دانند.

در این میان نیز بخش‌هایی از گروه‌های مذهبی قائل به حجاب در حال تهی‌سازی مفهوم حجاب از بار سیاسی آن هستند. برای نمونه می‌توان به کمپین

موضوع حجاب دارای دو جنبه اساسی است. یکی مفهوم حجاب که باید در ابعاد مختلف تاریخی، زبانی، گفتمانی و ... بررسی شود و دیگری حجاب به‌مثابه یک پدیده بیرونی که بروز و ظهور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن نیازمند بررسی است. در ادامه به توضیح این موضوع در دو جنبه یاد شده خواهیم پرداخت.

۱. معنا و مفهوم حجاب در گفتمان‌های جامعه ایرانی

۱.۱. حجاب در معنای دینی: یکی از ریشه‌های

مهم مسئله حجاب جنبه دینی آن است که به‌واسطه قدرت‌گرفتن نظام اسلامی در کشور رسمیت یافته و پس از مدتی به شکل قانونی اعمال شده است. در این چارچوب، دفاع از حجاب یا نقد آن در نسبت با دین رسمی معنا یافته و در تقابل یا همراهی آن تفسیر می‌شود. ارائه تفسیرهای جدید و خاص از اصل حجاب یا حدود آن می‌تواند یکی از نکات دارای اهمیت در این زمینه باشد. باین‌حال، به‌واسطه سیطره فقه سنتی بر سیاست‌های حاکمیتی و فتاوی مراجع تقلید، به‌نظر می‌رسد فراگیری نظرات خاص نسبت به عدم لزوم حجاب سر و مانند آن (که برخی همچون محسن کدیور و



#من_محبه‌ام_و_مخالف_گشت_ارشادم در فضای مجازی اشاره کرد. این گروه از جامعه به دنبال اختیاری نمودن حجاب در ایران است.

۳.۱. حجاب به معنای فمینیستی: اخیراً و در پی گسترش اندیشه‌های فمینیستی در میان ایرانیان، موضوع حجاب معنای جدیدی نیز یافته است. در این چارچوب، حجاب و مخالفت با حجاب به منزله ابزاری برای پیشبرد اهداف جنبش زنان نیز شناخته شده و بسیاری از مخالفت‌ها با قانون حجاب اجباری در ایران در همین زمینه معنا می‌یابند.

اجتماعی نوینی منجر گشته است. این مراجع تحت عنوان سلبریتی و اینفلوئنسر، چارچوب‌های جدیدی بر ذهنیت و عینیت زیست جوان ایرانی تحمیل کرده است. در نتیجه این اتفاق، دیدگاه جدیدی درباره زندگی و هویت و شهروندی برای جوانان ایجاد شده است. در این خصوص، لازم است به مهمترین تحولاتی اشاره کنیم که مختصات فرهنگی و سیاسی کنشگر ایرانی را دگرگون ساخته و به تعبیری، جهانی جدید برای او به ارمغان آورده‌اند که مشخصاً مفهوم و پدیده حجاب را در جهان اجتماعی بخش وسیعی از جوانان ایرانی دگرگون کرده است. این تحولات از این قرار است:

● جهانی شدن فرهنگ

برآمدن عصر رسانه‌های جدید و تحولات موسوم به جهانی شدن تأثیرات شگرفی بر کنشگران ایرانی بر جای نهاده است که پیامدهای آن را در نوع پوشش و پیروی از مد و سبک زندگی جهانی می‌توان مشاهده کرد. در این زمینه، دختر و پسر ایرانی ضمن مصرف تولیدات رسانه‌ای جهانی، با سبک زندگی‌ها و به تبع آن، با جهان بینی‌های جدیدی آشنا می‌شود و در نتیجه شیوه‌های نوینی در رفتار از خویشتن بروز می‌دهد.

۲. حجاب و هویت در عصر تحولات سریع

نظر به تحولاتی که جامعه ایرانی در حال حاضر به خود می‌بیند، پیامد انقلاب‌های، موسوم به انقلاب رسانه‌ای و ارتباطی، بر زیست فردی و جمعی بخش عمده‌ای از جامعه ایرانی تأثیر شگرفی نهاده است. این تحولات سبک‌های زندگی متفاوتی برای نسل جوان و نوجوان ایرانی رقم زده است. مصرف این رسانه‌ها همچنین به ظهور مراجع اجتماعی جدید رسانه‌ای و



پیگیری سلبریتی‌های جهانی و محصولات رسانه‌ای غیرایرانی، ذائقه و هویت بخشی از ایرانیان را دچار دگرگونی‌هایی کرده است. در پی این تحولات اساساً مفهوم و پدیدهٔ حجاب برای بخشی از نسل جدید به امری ناشناخته یا مانعی برای زیست طبیعی بدل گشته است. افزون بر این، تولد و رشد جنبش‌های مختلفی تحت عنوان عام جنبش زنان (فمینیسم)، از پیامدهای این جهانی‌شدن است. جهانی‌شدن، جنبشی برآمده از زمینهٔ کشورهای اروپایی و امریکایی است که خود را به جنبشی جهانی بدل ساخته و ویژگی‌های خود را در قالب فلسفهٔ اخلاقی جدید و به‌منزلهٔ جنبشی فراگیر در دیگر کشورها مستقر می‌سازد. با توجه به این امر، جنبش زنان یا ایدئولوژی فمینیسم در ایران به‌عنوان یکی از محصولات این جهانی‌شدن یک‌سویهٔ فرهنگ غربی، تأثیر شگرفی بر وضع پوشش و مشخصاً حجاب در ایران گذاشته و بنابر تفسیرهایی که فمینیست‌ها ارائه می‌دهند، به‌مثابه عاملی برای سرکوب و تثبیت موقعیت فرودستی زنان در جامعهٔ ایرانی، شناخته می‌شود.

● هویتی‌شدن بدن

در یکی دو دههٔ اخیر، بدن که عمدتاً نقش مهمی در هویت‌بخشی به افراد نداشت، به‌واسطهٔ تشدید خصلت بصری‌بودن مدرنیته، به محملی برای نمایش هویت انسان بدل شد. گفتنی است این موضوع اختصاص به زنان و دختران نداشته و حتی پسران نیز اهتمام ویژه‌ای به بدن خود پیدا کرده‌اند و اساساً بدن را به‌مثابه بستری برای عرضهٔ بخش مهمی از هویت خود شناخته‌اند و می‌شناسانند. این امر طبیعتاً بدن را از موضوع عفاف و حیا خارج نموده و بسیاری نوجوانان و جوانان بدون آنکه اراده‌ای در جهت بی‌حیایی و بی‌عفتی داشته باشند، بدن خویش را به عرصه‌ای برای بروز و ظهور هویت مطلوب خویش بدل ساخته‌اند. برای مثال، با تغییر در شکل و شمایل بدن خود، به‌وسیلهٔ رژیم غذایی خاص، انواع شیوه‌های بدن‌سازی، عمل جراحی یا مانند آن‌ها، آنچه را از خود مدنظر دارند، به نمایش می‌گذارند. طبیعتاً این نگاه، حفظ حجاب را برای این دست از نوجوانان، از موضوعیت پیشین خود انداخته است و عملاً آن را ناممکن می‌کند یا دست‌کم تحت فشار شدید قرار می‌دهد. نمودار ساختن بدن و نه سر و صورت و مو، چه برای دختران و چه برای پسران، در این چارچوب معنا دار می‌گردد.

● چرخش زیبایی‌شناختی

در کنار تحولات مرتبط با جهانی‌شدن فرهنگ، در یکی دو دههٔ اخیر، تغییر مهم دیگری در عرصهٔ زیبایی‌شناختی رقم خورده است. بدین‌واسطه معنا و برداشتی که افراد از مفهوم و پدیدهٔ زیبایی داشته‌اند، دستخوش دگرگونی شده است. در کنار این چرخش زیبایی‌شناسانه، بدن به محمل اصلی و اساسی زیبایی بدل گشته و لاجرم هویت افراد در پیوند عمیقی با آن قرار گرفته است. نسل جوان ایرانی، اعم از دختر و پسر، تا حد زیادی از این چرخش متأثر بوده و کوشیده است با این چرخش زیبایی‌شناسانه همراه شود. در این خصوص، بصری‌شدن، مجازی‌شدن و اهمیت‌یافتن جزئیات بدن در کاهش یا افزایش زیبایی، سبب می‌شود که با گفتمان زیبایی‌شناسی جدیدی روبه‌رو باشیم که زیبایی را در نمایش هرچه بیشتر تن و تأکید مضاعف بر بدن و جزئیات آن می‌بیند. واضح است که چنین چرخشی و برآمدن گفتمانی که توضیحی اجمالی از آن بیان شد، اوضاع جدیدی برای حجاب رقم زده و وضعیت سابق آن را به چالش می‌کشد.

آینده نگاری |



ایران فردا

ایران در ۱۰ سال آینده در نسبت با مسئله الزام به حجاب چگونه خواهد بود؟ آینده تحت تاثیر عوامل پیدا و ناپیدای متعددی شکل می‌گیرد. ما تلاش کردیم در حد وسع‌مان تصویری از آینده‌های محتمل نشان بدهیم. تصویری که می‌گوید تصمیمات و اقدامات امروز ما چگونه فردای این سرزمین را شکل خواهد داد. صحبت از آینده، همراه با عدم قطعیت و ابهام‌های گوناگونی است اما تدبیر و اندیشیدن به آینده با وجود اما و اگرها بهتر از غفلت و نگاه کوتاه‌مدت به مسائل یک ملت، یک دین و یک کشور است.

روش

کاهش‌شدن آن، اظهار نظر کرد و در واقع آینده آن روند ۵۰-۵۰ است. درنهایت و به‌منظور تدوین سناریوها، روندهایی که امتیاز اهمیت و عدم قطعیت بیشتری کسب کنند، مبنای نگارش سناریوها خواهند بود. عدم قطعیت زیاد از این نظر مبنای سناریونویسی است که نشانگر امکان وقوع دو آینده متفاوت است: آینده‌هایی که دو جهت متفاوت را در ترسیم سناریوهای پیش رو در اختیار ما قرار می‌دهند.

روندها

روندهای مؤثر بر مسئله الزام به حجاب در ایران بر اساس نظرات خبرگان تحلیل و امتیازدهی شد. این روندها به‌طور عمده در سه حوزه اجتماعی فرهنگی، سیاسی و فقهی حقوقی شناسایی و احصا شده‌اند. هر روند در دو محور اهمیت و عدم قطعیت از ۱ تا ۵ امتیاز گرفته است.

برای آینده‌نگاری در این گزارش، از روش سناریونگاری پیتر شوارتز (GBN) استفاده شده است. در این روش، ابتدا روندهای مؤثر بر مسئله موضوع مطالعه، شناسایی می‌شوند. مقصود از روند، سلسله‌ای از وقایع یا اعمال یا رویدادهایی است که در بازه زمانی مشخصی سیری کاهشی یا افزایشی طی کرده‌اند. در این گزارش، به روندها در سه حوزه عمده اجتماعی فرهنگی، سیاسی و حقوقی توجه شده است. روندها براساس مصاحبه‌های خبرگانی شناسایی و انتخاب شده‌اند و حاصل تجمیع دیدگاه‌های خبرگان در هر حوزه است.

پس از شناسایی، هر روند دو گونه امتیاز کسب می‌کند: امتیاز اهمیت و امتیاز عدم قطعیت. امتیاز اهمیت به این معناست که این روند تا چه اندازه بر موضوع مطالعه اثرگذار است. امتیاز عدم قطعیت نیز به‌معنای پیش‌بینی‌پذیر نبودن سیر افزایشی یا کاهشی تغییرات روند است. عدم قطعیت زیاد به این معناست که نمی‌توان با اطمینان کامل در خصوص تحولات آینده روند، یعنی افزایشی یا

کد	روند	اهمیت	عدم قطعیت	امتیاز روند
۱	توسعه یافتن جنبش اجتماعی حقوق زنان (فمینیسم)	۵	۱	۵
۲	رشد مصرف رسانه‌ای با فرهنگ غربی در میان زنان و به ویژه نسل جدید	۴	۱	۴
۳	رشد هویتی شدن تن و لزوم نمایش هرچه بیشتر آن در گفتمان زیبایی‌شناختی جدید	۵	۱	۵
۴	رادیکال شدن اقدامات نظام و مخالفان حجاب در زمینه‌های مرتبط با حجاب	۵	۲	۱۰
۵	رشد سبک زندگی‌های متکثر ناشی از مصرفی شدن فرهنگ و جامعه	۴	۱	۴
۶	افزایش روند جهانی شدن فرهنگ	۴	۱	۴
۷	کاهش اعتماد عمومی به نهاد دین	۵	۱	۵
۸	افزایش مهاجرت و سفرها خصوصاً به کشورهای اسلامی	۳	۲	۶
۹	کاهش مرجعیت خانواده و عمومی شدن امر جنسی	۴	۱	۴
۱۰	تشدید سبک زندگی فردگرایانه	۴	۱	۴
۱۱	کاهش رواداری در بین گروه‌های اجتماعی بر سر مسئله حجاب	۵	۴	۲۰
۱۲	سخت‌گیرانه تر شدن قوانین حجاب در حوزه تحصیل و اشتغال	۵	۱	۵
۱۳	افزایش وابستگی قوانین حجاب به عوامل سیاسی داخلی و بین‌المللی	۳	۱	۳

۱۴	افزایش عرفی شدن قوانین حجاب در سطح اجرا	۵	۱	۵
۱۵	رشد مداخله رسمی مرجعیت و روحانیت در حمایت از حجاب قانونی	۵	۱	۵
۱۶	افزایش برخورد فراقانونی ضابطان حجاب	۴	۳	۱۲
۱۷	افزایش شکاف در نهاد قانون‌گذار	۵	۲	۱۰
۱۸	سخت‌گیرانه‌تر شدن قوانین پوشاک	۵	۱	۵
۱۹	کاهش اطلاع دادرسی کیفری و رسیدگی به تخلفات	۱	۱	۱
۲۰	کاهش توجه قانون‌گذار به پیامدهای روانی تقنین در حجاب	۵	۱	۵
۲۱	بسته‌شدن فضای سیاسی کشور و کاهش روندهای دموکراتیک	۴	۵	۲۰
۲۲	کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی	۳	۱	۳
۲۳	افزایش ناکارآمدی سیاسی حاکمیت	۵	۱	۵
۲۵	ضعف نهادهای سیاسی مدنی	۳	۱	۳
۲۶	افزایش سرخوردگی و نومیدی سیاسی	۴	۱	۴
۲۷	گسترش جریان لیبرالیسم	۴	۱	۴
۲۸	میزان مشارکت سیاسی زنان در جامعه	۴	۱	۴
۲۹	تغییر الگوهای دینداری و ظهور و تثبیت الگوهای جدید	۴	۲	۸
۳۰	افزایش تحریم و کاهش روابط بین‌الملل	۳	۲	۶



تعریف مفاهیم محوری سناریوها

• رواداری

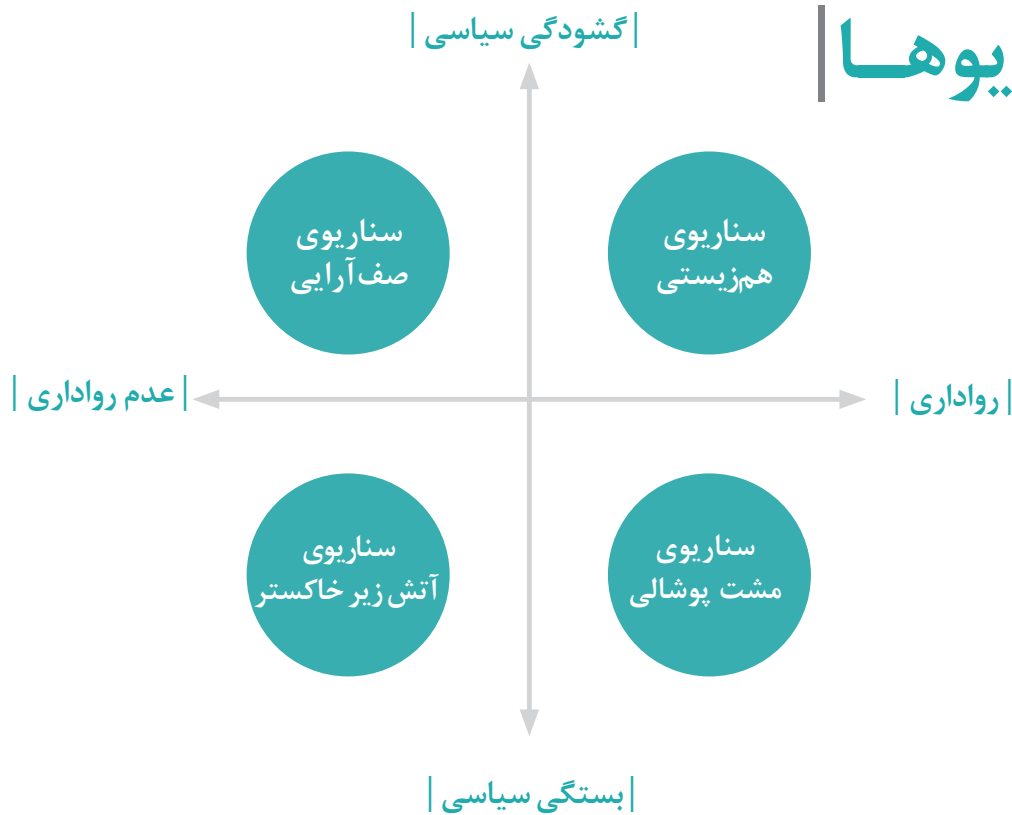
رواداری یا تلورانس (Tolerance) مفهومی است که ریشه آن در موضوع اختلافات مذهبی و فرقه‌ای قرن شانزدهم اروپاست. اما به‌مرور زمان، مفهوم گسترده‌تری یافته و علاوه بر حوزه مذهب به سایر حوزه‌های اجتماعی نیز تسری یافته است. در بیان ساده، رواداری یعنی کنار آمدن و پذیرش افراد یا گروه‌هایی که از لحاظ عقاید و ارزش‌ها با ما متفاوت‌اند. حتی این‌گونه نیز بیان شده است که رواداری به‌معنای آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌ها یا اعمالی است که از نظر ما اشتباه به نظر می‌رسند. رواداری در ایجاد هم‌بستگی و هم‌گرایی و انسجام اجتماعی نقشی اساسی دارد. رواداری را در حوزه‌های مختلف زندگی انسان‌ها، مثل اعتقادات مذهبی، گرایش سیاسی، ارزش‌های اخلاقی و... در نظر می‌گیرند.^{۱۴}

• گشودگی یا بستگی نظام سیاسی

اگر حکمرانی هر نظام سیاسی را مجموعه‌ای از تعاملات میان مردم و حاکمیت برشماریم، حکومت سیاسی باز به حکومتی گفته می‌شود که براساس قانون اساسی هر کشور، مردم نقشی فعال در تعاملات آن برعهده داشته و از بیان هرگونه انتقاد در چهارچوب قانون و درباره حکومت، هراسی نداشته باشند. در مقابل نیز حکومت سیاسی بسته به آن شکل از حکومت گفته می‌شود که مردم کمترین نقش را در تعاملات فی‌مابین دارند و در صورت وجود نقص و اعتراض به حکومت، همواره ترس و وحشت در بین آنان وجود خواهد داشت. بر این اساس، برخی نشانه‌های گشودگی سیاسی، عبارت است از: به رسمیت شناخته شدن و فعالیت احزاب و نهادهای مدنی؛ مشارکت زنان و اقلیت‌ها در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی؛ به رسمیت شناخته شدن اعتراضات مردمی؛ آزادی اینترنت و فضای مجازی؛ آزادی رسانه‌ها. برای نشانه‌های فضای بستگی سیاسی نیز می‌توان متضاد شاخص‌های فوق را عنوان کرد.

۱۴ امیری، محمد، کریمی، مجیدرضا، خدای، علیرضا (۱۴۰۰). «رواداری اجتماعی و تبیین جامعه‌شناختی آن»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۴۸، ص ۵۷-۷۶

سناریوها



توضیح سناریوها

• هم‌زیستی

جامعه با افکار و سبک‌زندگی‌های گوناگون مدارا کرده و همه جریان‌ها در حکومت نماینده دارند. مسئله حجاب به صورتی مسالمت‌آمیز و از طریق نمایندگان مردم و مطابق نظر اکثریت جامعه تنظیم می‌شود. حجاب و انواع پوشش در چهارچوب قانون، به‌عنوان یک انتخاب شخصی توسط مردم، پذیرفته و موجب جدایی مردم نخواهد شد.

• صف‌آرایبی

مردم آستانه تحمل بسیار کمی در قبال انواع تفکرات دارند؛ ولی همه جریان‌ها نماینده خود را در حکمرانی کشور دارند. تحمل جامعه در برابر تفکرات متنوع، کاهش پیدا کرده و تنش به سطح سیاسی گسترش پیدا می‌کند. علاوه‌بر برخوردهای تند مردم با یکدیگر، فضای سیاسی نیز محل مقابله جریان‌های مختلف خواهد شد. جنبه نمادین سیاسی و اعتقادی حجاب بیشتر گشته و موجب بروز تنش در روابط اجتماعی مردم می‌شود.

• مشت پوشالی

جامعه با ا فشار مختلف از باب تساهل و تسامح برخورد می‌کند؛ ولی فضای سیاسی کشور تابع جریانی خاص است و همه دیدگاه‌ها در آن منعکس نمی‌شود. قانون و مجازات سختگیرانه‌ای برای متخلفان از قانون حجاب وضع و اعمال می‌شود؛ ولی مردم با پذیرش تکرر سبک‌های زندگی با تساهل و تسامح با یکدیگر زندگی می‌کنند و قوانین حجاب از مشروعیت تهی می‌شود. حجاب به‌عنوان انتخابی فردی پذیرفته شده و موجب بروز تنش و جدایی مردم نمی‌شود. حساب گشت ارشاد از زنان باحجاب جدا می‌شود.

• آتش زیر خاکستر

فقط گروه خاصی از مردم در حکمرانی نماینده دارند و جامعه، تنوع در تفکر و سبک زندگی را تحمل نمی‌کند. بخشی از جامعه با پشتوانه قدرت سیاسی، بخش دیگر را سرکوب می‌کند و قوانین مد نظر خود را به اجرا می‌رساند. بخشی از مردم که در حکومت نماینده ندارند با برخوردهای تند با زنان محجبه و نمادهای دینی، قسمتی از خشم خود را بروز می‌دهند. زمینه برای اعتراضات گسترده و بروز خشونت فراهم است.

ذی نفعان

در موضوع الزام به حجاب می‌توان دو گروه اصلی ذی نفعان را برشمرد: حاکمیت و مردم. گروه دوم را نیز به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: موافقان الزام به حجاب، مخالفان غیرمذهبی^{۱۵} الزام به حجاب و مخالفان مذهبی الزام به حجاب. با این اوصاف در نهایت با چهار دسته ذی نفع در مواجهه با موضوع الزام به حجاب روبه‌رو خواهیم بود. در ادامه وضعیت هر گروه ذی نفع در بستر هر سناریو و با استفاده از شاخص‌های مختص هر گروه بررسی خواهد شد.

سناریو ۱	مقبولیت و مشروعیت	سرمایه اجتماعی	کارآمدی	ثبات	وجهه بین المللی
حاکمیت					
	احساس امنیت	احساس آزادی	احساس رضایت از هویت	مشارکت اجتماعی	احساس همبستگی
	رضایت اخلاقی				
همزیستی	مردم موافق				
	مردم مذهبی مخالف				
	مردم غیرمذهبی مخالف				
سناریو ۲	مقبولیت و مشروعیت	سرمایه اجتماعی	کارآمدی	ثبات	وجهه بین المللی
حاکمیت					
	احساس امنیت	احساس آزادی	احساس رضایت از هویت	مشارکت اجتماعی	احساس همبستگی
	رضایت اخلاقی				
صف آرایی	مردم موافق				
	مردم مذهبی مخالف				
	مردم غیرمذهبی مخالف				

۱۵ «غیرمذهبی» در اینجا صرفاً به معنای عدم اعتقاد و الزام فرد به رعایت حجاب شرعی و قرائت رسمی تشیع است و لزوماً به عدم التزام و اعتقاد به سایر عرصه‌های دینی دلالت ندارد.

سناریو ۳	مقبولیت و مشروعیت	سرمایه اجتماعی	کارآمدی	ثبات	وجهه بین المللی
حاکمیت					
	احساس امنیت	احساس آزادی	احساس رضایت از هویت	مشارکت اجتماعی	احساس همبستگی
مردم موافق					
مردم مذهبی مخالف					
مردم غیرمذهبی مخالف					

مشت پوشالی

سناریو ۴	مقبولیت و مشروعیت	سرمایه اجتماعی	کارآمدی	ثبات	وجهه بین المللی
حاکمیت					
	احساس امنیت	احساس آزادی	احساس رضایت از هویت	مشارکت اجتماعی	احساس همبستگی
مردم موافق					
مردم مذهبی مخالف					
مردم غیرمذهبی مخالف					

آتش زیر خاکستر



پیشنهاد‌های سیاستی

۱. نقش آفرینی محوری جامعه

در حل مسئله حجاب

از سال ۱۳۱۴ با تصویب قانون «کشف حجاب» توسط پهلوی اول، مسئله حجاب در ایران، جنبه سیاسی و حکومتی پیدا کرد. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، با اختیاری شدن حجاب، نهادهای مذهبی فعالیت‌های فرهنگی برای ترویج حجاب تدارک دیدند که شاید بتوان گفت در مجموع توفیق چندانی کسب نکردند. بعد از انقلاب نیز مداخله حکومت در امر حجاب این مسئله را به آسیب بیشتری دچار کرد. در حال حاضر، مسئله حجاب با این پیشینه تا حد زیادی به امر سیاسی تبدیل شده است. همین وضع موجب می‌شود تا معنای دینی و فرهنگی حجاب کم‌رنگ‌تر شده و در برابر اعتراضات سیاسی آسیب‌پذیر شود. به عبارت دیگر، کشف حجاب به معنای مخالفت با حکومت و محجبه بودن به معنای موافقت با حکومت تفسیر می‌شود. این آسیب در بلندمدت موجب کاهش هرچه بیشتر التزام به حجاب خواهد شد. برای کاهش آسیب‌های بیشتر به حجاب، به نهادهای مدنی و مذهبی پیشنهاد می‌شود:

۱. خروج حداکثری حاکمیت از مسئله مدیریت حجاب را مطالبه کنند.

۲. برای برآورده کردن مطالبات بخش‌های مختلف جامعه در امر حجاب، فعالیت‌های فرهنگی مستقل را توسعه داده و مشارکت اجتماعی با هدف حل این مسئله را افزایش دهند. (تبدیل حجاب از امر سیاسی به امر فرهنگی)

در این رویکرد، حکومت در مقام تنظیم‌گر و مسئول امنیت جامعه باید صرفاً امنیت گروه‌های مختلف را برای فعالیت تأمین کند و با وضع قوانین و اجرای بی‌طرفانه آن‌ها جلوی بروز خشونت و نزاع‌های خارج از چهارچوب قانون را بگیرد. جانبداری حکومت از یک سمت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی موجب به نتیجه نرسیدن اهداف این دست فعالیت‌های مردم‌نهاد خواهد شد. به عبارت دیگر مداخله نیابتی حکومت در امر حجاب، از شدت آسیب «سیاسی شدن» نمی‌کاهد.

۲. به رسمیت شناختن

جریان‌های متکثر

به نظر می‌رسد طرف‌های مختلف در مسئله حجاب، تصویر درستی از یکدیگر ندارند. برچسب‌زنی‌ها و تفسیرهای نادرست از افکار و انگیزه‌های طرف‌های

توهین‌آمیز پیرامون جریان ترویج حجاب، منجر به انزجار از حجاب، افزایش تنش و آسیب دیدن همزمان مسئله حیا و عفاف می‌شود.

از طرف دیگر تعریف مسئله عفاف صرفاً در دایره مفهوم حجاب و نپرداختن مستقل به آن موجب می‌شود آسیب‌های حوزه حیا و عفاف نیز افزایش پیدا کند. این به معنای نپرداختن جامعه به مسئله حجاب نیست بلکه در جهت توجه بیشتر به امر حیا و عفاف است. مسئله عفاف در جامعه ایران هنوز دارای اهمیت اخلاقی بوده و به‌نظر می‌رسد برای بقای جامعه لازم باشد.

بنابراین به نهادهای مدنی و مذهبی پیشنهاد می‌شود:

۱. با تفکیک بین مفهوم حجاب و عفاف در جهت تعالی امر عفاف در جامعه تلاش کنند. به همین نسبت، با عدم برقراری رابطه انحصاری بین مسئله حجاب و عفاف، از افزایش تنش در مسئله حجاب خودداری نمایند.

۴. آموزش نسل آینده

معضل حجاب در ایران معاصر، برای جوانان و نوجوانان به‌عنوان یک مسئله مطرح است. ممکن است برای جوانان دهه‌های آینده کشور نیز این مسئله تاریخی مجدد طرح شده و به‌شکل معضل اجتماعی ظهور کند. طبیعی است که جریان‌های مختلف برای تربیت نسل بعد در مسئله پوشش، مطابق با ارزش‌های خود اقدام کنند؛ اما برای جلوگیری از بروز مجدد چالش حجاب در جامعه، به نهادهای مدنی و مذهبی پیشنهاد می‌شود:

۱. در محتوای آموزشی و محصولات رسانه‌ای کودک و نوجوان، تصویری تاریخی و واقعی از پیشینه مسئله حجاب ارائه کنند؛ بدون سوگیری، برچسب‌زنی و حذف برخی جریان‌ها.

۲. رواداری و همزیستی با سلائیق گوناگون را ترویج کنند.

۳. تصویر درست و مثبتی از مسئله عفاف را به نسل‌های بعدی عرضه کنند.

مختلف در مسئله انتخاب پوشش زنان، موجب بسته‌شدن باب گفت‌وگو و انسداد مسیر اندیشیدن درباره راه‌حل مسئله می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که عدم امکان فعالیت‌های رسمی اجتماعی و فرهنگی برای گروه‌های مختلف منجر به گسترش زمینه و انگیزه‌های بروز خشونت خواهد شد.

برای افزایش امکان حل مسئله حجاب در بستر جامعه، به نهادهای مدنی و مذهبی پیشنهاد می‌شود:

۱. برای معرفی افکار متنوع پیرامون مسئله حجاب به جامعه تلاش کنند.

۲. مؤسسه‌ها و نهادها بخشی از فعالیت خود را معرفی جریان‌های غیرهمفکر توسط نمایندگان آن جریان‌ها قرار دهند.

۳. نمایندگان و رهبران جریان‌های مختلف فکری به‌صورت نمادین و برای تشویق جامعه به گفت‌وگو، به‌صورت عمومی، میزبان یکدیگر بوده و به تبادل اندیشه و نظر بنشینند.

۴. جریان‌های مختلف، تبیین‌های ساده و راحت‌فهمی از اندیشه‌های خود برای عموم مردم ارائه دهند.

۵. تلاش شود تا صدای گروه‌هایی نیز شنیده شود که رسانه و نمایندگان مطرحی ندارند یا از اقلیت‌ها به‌شمار می‌آیند.

۳. پرداختن مستقل به مسئله عفاف و حیا فارغ از مسئله حجاب

به احتمال زیاد، در میان‌مدت، جامعه ایران با کاهش انتخاب حجاب سنتی به‌عنوان پوشش زنان مواجه خواهد بود. در این اوضاع، تبلیغات در جهت انحصاری نمودن مفهوم حیا و عفاف در حجاب، موجب بی‌حیا و بی‌عفت خطاب نمودن گروه‌های بی‌حجاب جامعه می‌شود. این برچسب‌های



نکات:

۱. پیشنهاد به رواداری در جهت نفی نهی از منکر و امر به معروف نیست. در پیشنهاد به رواداری مرتبه قلبی نهی از منکر برای معتقدان به قرائت سنتی شیعه قابل طرح است اما باید به اثرات منفی نهی از منکر زبانی و عملی در شرایط فعلی مسئله حجاب توجه داشت.

به عبارت دیگر سخن ما به آن دسته از هم‌میهنانی که معتقد به حجاب و نهی از منکر هستند و باور قلبی به رواداری ندارند این است که عدم رواج رواداری منجر به بازخورد منفی جامعه نسبت به حجاب خواهد شد. به عبارت دیگر، عدم رواداری در عمل زمینه‌ساز گسترش بی‌حجابی است. برای نهی از منکر و امر به معروف موثر پیشنهاد می‌شود فعالیت‌های مستقل فرهنگی و مذهبی با هدف اقناع جامعه انجام شود. در صورت موفق بودن این دست اقدامات افراد با رضایت و تعلق خاطر پوشش حجاب را برای خود انتخاب خواهند کرد که بر جامعه اثرات بلندمدت خواهد گذاشت.

۲. برخی نخبگان بر این باور هستند که تمرکز زیاد بر موضوع حجاب موجب کاهش تمرکز بر موضوعاتی شده است که از منظر اسلام اهمیت بیشتری دارند و نیاز امروز جامعه اسلامی هستند. برای مثال می‌توان به عدم توجه کافی نسبت به مسائل اعتقادی همچون: توحید و امامت؛ مسائل اخلاقی همچون: امانت‌داری و راستگویی و مسائل عبادی همچون: نماز و زکات اشاره کرد.

به عبارت دیگر این دسته از نخبگان باور دارند امور اعتقادی، اخلاقی و عبادی دیگری در اسلام وجود دارد که از منظر درون دینی دارای اهمیت بیشتری نسبت به حجاب است و می‌بایست به عنوان نماد برای جامعه دینی در اولویت باشد. اختلاف نظر در این مسئله مبتنی بر خوانش‌های گوناگون از اسلام قابل فهم و تحلیل است.

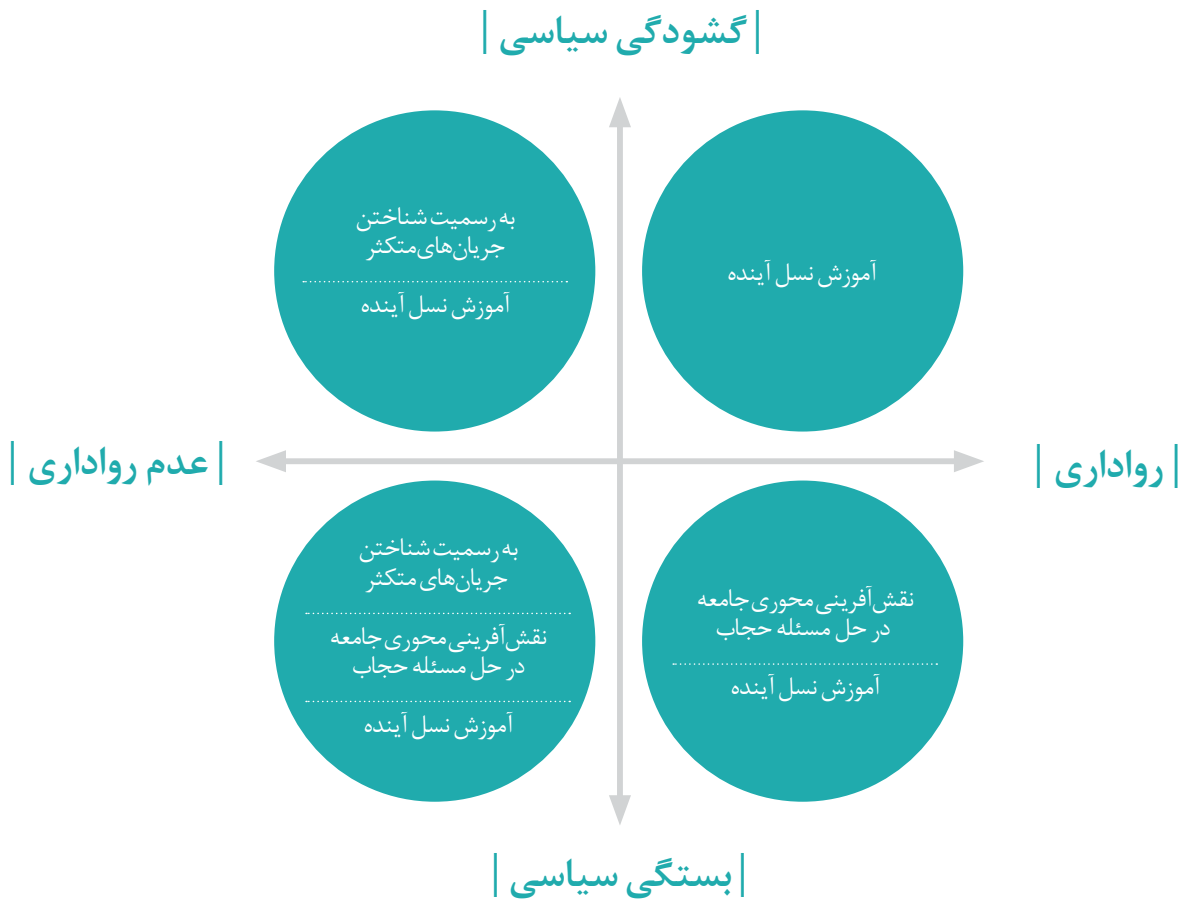
۳. تمرکز این گزارش بر آینده «الزام به حجاب» بوده و در پی طرح سناریوها و پیشنهادهایی برای آینده «حجاب» در ایران نیست.



اولویت پیشنهادهای سیاستی در هر سناریو

رسمیت شناختن جریان‌های متکثر» از اهمیت کمتری برخوردار خواهد بود. با این توضیح، اگر شرایط فعلی جامعه ایران تغییر کند و جامعه در هر یک از سناریوهای محتمل قرار بگیرد، جدول ذیل مهمترین پیشنهادهای سیاستی برای آن شرایط خاص را نشان می‌دهد.

پیشنهادهای سیاستی این گزارش با توجه به وضعیت امروز جامعه ایران تدوین شده است. در صورت حرکت جامعه به سمت هر کدام از چهار سناریو و تغییر شرایط مسئله، می‌توان تصور نمود که میزان اهمیت پیشنهادها نیز تغییر خواهد کرد. برای مثال اگر جامعه ایران به سمت رواداری بیشتر حرکت کند، پیشنهاد سیاستی «به



سناریوی صف آرایی: در صورتی که جامعه غیر روادار در فضای باز سیاسی به نزاع گسترده پردازد، تلاش در جهت «به رسمیت شناختن جریان‌های متکثر» اولویت اصلی فعالیت جامعه مدنی است.

سناریوی آتش زیرخاکستر: در شرایطی که جامعه غیرروادار باشد و بخشی از مردم از سرکوب گروهی دیگری از مردم توسط دولت حمایت کنند، اولویت اول «به رسمیت شناختن جریان‌های متکثر» بوده و در مرحله بعد سیاست «نقش آفرینی محوری جامعه در حل مسئله حجاب» دارای اهمیت می‌باشد.

سناریوی همزیستی: در صورتی که جامعه روادار بوده و فضای باز سیاسی محقق شده باشد، جهت عدم بروز مجدد نزاع پیرامون مسئله حجاب می‌توان به «آموزش نسل آینده» فکر کرد. توجه به نسل آینده به جهت پیشگیری از نزاع مجدد در همه سناریوها داری اهمیت می‌باشد، لذا توضیح این مهم در بقیه سناریوها تکرار نمی‌شود.

سناریوی مشت پوشالی: در شرایطی که جامعه روادار بوده و فضای بسته سیاسی منجر به برخورد در زمینه حجاب بشود، تلاش جامعه جهت خروج دولت از مدیریت مسئله و «نقش آفرینی محوری جامعه در حل مسئله حجاب» از اهمیت بیشتری برخوردار است.



www.mssinst.com | Contact@mssint.com

